

بررسی تاثیر رتبه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر آن بر رابطه بین تجدید آرایه صورت‌های مالی و هموارسازی سود، مطالعه موردی: شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر علی نعمتی

استادیار گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

anemati67@gmail.com

عطیه اصفهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

atiies1998@gmail.com

چکیده

این تحقیق به بررسی تاثیر رتبه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر آن بر رابطه بین تجدید آرایه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. ابتدا رابطه بین تجدید آرایه صورت‌های مالی و هموارسازی سود مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد این رابطه مثبت و معنادار است. در ادامه، نقش رتبه مؤسسات حسابرسی بررسی شد و مشخص گردید که مؤسسات با رتبه بالاتر تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. همچنین، اظهارنظرهای دقیق و مستقل حسابرسان نیز به کاهش هموارسازی سود منجر می‌شوند. این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کمی، توصیفی و پس‌رویدادی انجام شد و داده‌های ۱۱۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد تجدید آرایه صورت‌های مالی به کاهش تمایل شرکت‌ها به هموارسازی سود منجر می‌شود. علاوه بر این، رتبه مؤسسات حسابرسی و اظهارنظرهای مستقل حسابرسان موجب بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی شده و رفتارهای هموارسازی سود را کاهش می‌دهد. یافته‌های این تحقیق اهمیت استفاده از مؤسسات حسابرسی معتبر و تقویت استقلال حسابرسان را برجسته می‌سازد. همچنین، نظارت بر تجدید آرایه صورت‌های مالی، کاهش رفتارهای هموارسازی سود و آموزش مدیران مالی در زمینه پیامدهای آن به‌عنوان راهکارهای مؤثر معرفی شده است. درنهایت، تشویق به گزارشگری صحیح و اخلاقی و بهبود فرآیندهای حسابرسی داخلی برای افزایش شفافیت مالی و جلوگیری از هموارسازی سود تأکید شده است.

واژگان کلیدی: رتبه مؤسسه حسابرسی، اظهارنظر حسابرسان، تجدید آرایه صورت‌های مالی، هموارسازی سود، شفافیت گزارشگری مالی.

مقدمه

هموارسازی سود و تجدید آرایه صورت‌های مالی دو موضوع مهم در حسابداری و گزارشگری مالی هستند. هموارسازی سود به تلاش شرکت‌ها برای کاهش نوسانات سود گزارش‌شده از طریق روش‌های حسابداری و مالی مختلف اشاره دارد. این اقدامات، شامل تعدیلات حسابداری، تغییر در برآوردها یا تغییرات ساختاری شرکت، به‌منظور آرایه تصویری باثبات‌تر از عملکرد مالی شرکت به سرمایه‌گذاران و ذینفعان است که می‌تواند منجر به افزایش ارزش بازار سهام شود (حسینی و بهرامی، ۱۴۰۱). در مقابل، تجدید آرایه صورت‌های مالی به اصلاح اشتباهات بااهمیت در صورت‌های مالی پیشین اشاره دارد که می‌تواند ناشی از خطاهای حسابداری، سوءبرداشت از استانداردها یا حتی تقلب باشد. این امر می‌تواند اعتماد

سرمایه‌گذاران را کاهش داده و به افت ارزش بازار منجر شود، چراکه نشان‌دهنده ضعف در سیستم‌های کنترلی داخلی است. در این میان، مؤسسات حسابرسی با رتبه بالا نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش هموارسازی سود ایفا می‌کنند. این مؤسسات با استانداردهای بالا و تکنیک‌های پیشرفته، مشکلات موجود در صورت‌های مالی را شناسایی و اصلاح می‌کنند (دیچو و اسپراند،^۱ ۲۰۲۰).

علاوه بر این، نوع اظهارنظر حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اظهارنظرهای تعدیل‌شده مانند مشروط، مردود یا عدم اظهارنظر می‌توانند نشانه‌ای از وجود مشکلات در صورت‌های مالی باشند که اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهند. در مقابل، اظهارنظرهای بدون شرط نمایانگر کیفیت مناسب اطلاعات حسابداری و افزایش اعتماد بازار است. بررسی تأثیر رتبه مؤسسات حسابرسی و اظهارنظر آن‌ها بر رابطه تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود، می‌تواند به درک عمیق‌تری از نقش مؤسسات حسابرسی در شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی کمک کند (فرانسیس^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از موضوعات مهم در حسابداری، هموارسازی سود است که نخستین بار توسط هپورث^۳ (۱۹۵۳)، به‌عنوان یک رفتار مدیریتی مطرح شد. او بیان کرد که در اصول پذیرفته‌شده حسابداری، آزادی بسیاری در انتخاب و تفسیر روش‌های تعیین سود دوره‌ای وجود دارد که این امر به مدیریت اجازه می‌دهد سود را هموار کند. در تعریف کلی، هموارسازی سود به هر شیوه‌ای گفته می‌شود که برای کاهش نوسانات غیرعادی در سود گزارش شده و ایجاد جریان ثابت سود انجام شود، بدون آنکه درآمد بلندمدت افزایش یابد.

تعاریف مختلفی از هموارسازی سود ارائه شده است. برای مثال، هپورث انگیزه این رفتار را بهبود روابط با اعتباردهندگان و کارکنان می‌داند و تأکید می‌کند که این عمل در محدوده اصول حسابداری صورت می‌گیرد. موزس^۴ (۱۹۸۷)، هموارسازی سود را تلاشی برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده می‌داند. همچنین، بیدلمن^۵ (۱۹۷۳)، این رفتار را کاهش نوسانات غیرعادی سود تا حد مجاز اصول حسابداری تعریف می‌کند. از سوی دیگر، برخی محققان مانند اشاری و همکاران (۱۹۹۴)، هموارسازی سود را عاملی برای سوءاستفاده در گزارشگری مالی می‌دانند.

در بیشتر موارد، باور بر این است که مدیران برای کاهش نوسانات سود خالص گزارش شده اقدام به هموارسازی سود می‌کنند، زیرا تصور می‌کنند سرمایه‌گذاران به شرکت‌هایی با سود هموار علاقه بیشتری دارند. این رفتار در دو نوع اصلی دسته‌بندی می‌شود: هموارسازی طبیعی و هموارسازی مصنوعی. هموارسازی طبیعی به جریانات نقدی ذاتی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی واقعی اطلاق می‌شود، درحالی‌که هموارسازی مصنوعی ناشی از دست‌کاری حسابداری است. نوع دیگری از این رفتار، هموارسازی واقعی یا معاملاتی است که بر جریانات نقدی شرکت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم دارد. داسچر و مالکوم تمایز بین هموارسازی واقعی و مصنوعی را در نحوه انجام معاملات و تصمیمات مدیریتی بیان کرده‌اند. انگیزه‌های هموارسازی سود متنوع است و شامل عواملی مانند تأثیر بر قیمت و ریسک سهام، دست‌کاری پاداش مدیران و کاهش محدودیت‌های قراردادی می‌شود. موزس (۱۹۸۷)، در تحقیق خود نشان داد که ارتباط معناداری بین رفتار هموارسازی سود و عواملی نظیر اندازه شرکت، پاداش مدیریت و محدودیت‌های بدهی وجود دارد. درنهایت، این موضوع اهمیت دارد که سرمایه‌گذاران قبل از تصمیم‌گیری، نشانه‌های هموارسازی سود را بررسی کنند، زیرا این رفتار می‌تواند بر ارزیابی ریسک و بازده سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد.

¹ Dechow & Schrand

² Francis

³ Hepworth

⁴ Moses

⁵ Beidleman

این تحقیق به دلیل پرداختن به نقش مؤسسات حسابرسی و اظهارنظر آن‌ها در بهبود شفافیت و کاهش رفتارهای هموارسازی سود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هموارسازی سود و تجدید ارائه صورت‌های مالی، موضوعاتی کلیدی در حسابداری و گزارشگری مالی هستند که تأثیر مستقیم بر اعتماد و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارند. بررسی دقیق این عوامل می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه بهبود کیفیت اطلاعات مالی و ارتقای استانداردهای گزارشگری کمک کند.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های انجام‌شده، تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در کنار رتبه و اظهارنظر مؤسسات حسابرسی به‌طور جامع موردبررسی قرار گرفته است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که تجدید ارائه صورت‌های مالی، هموارسازی سود و کیفیت گزارش‌دهی مالی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله اظهارنظر حسابرسی، رتبه مؤسسات حسابرسی، نوع صنعت و عوامل ساختاری و سازمانی قرار دارند. حسینی (۱۴۰۳)، نشان داد که تجدید ارائه صورت‌های مالی باعث کاهش هموارسازی سود و افزایش شفافیت گزارش‌های مالی می‌شود که در نتیجه اعتماد ذی‌نفعان بهبود می‌یابد. محمدی (۱۴۰۳)، نیز به اهمیت تجدید ارائه صورت‌های مالی اشاره کرد و نشان داد که این اقدام نه تنها شفافیت مالی را افزایش می‌دهد، بلکه به ارتقای اعتماد عمومی و بهبود جایگاه شرکت در بازار کمک می‌کند. رضایی (۱۴۰۳)، به بررسی اهمیت اظهارنظر حسابرسی پرداخت و نشان داد که این عامل تأثیر قابل توجهی در افزایش شفافیت مالی و کاهش تکنیک‌های هموارسازی سود در شرکت‌های تولیدی دارد. مرادی (۱۴۰۳)، بر نقش مؤسسات حسابرسی معتبر تأکید کرد و نشان داد که این مؤسسات با ارائه گزارش‌های شفاف و کاهش رفتارهای هموارسازی سود، کیفیت گزارش‌دهی مالی را ارتقا می‌دهند.

کاظمی (۱۴۰۳)، تأکید کرد که تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بسته به نوع صنعت متفاوت است و در صنایعی با نوسانات مالی بیشتر، کاهش هموارسازی سود به شکل معنادارتری مشاهده می‌شود. بصیری (۱۴۰۲)، دریافت که نوع اظهارنظر حسابرسی مستقیماً بر ارزشیابی شرکت تأثیر ندارد، اما بر اعتماد بازار به گزارش‌ها اثرگذار است. شاه‌نظری و ملک‌محمدی (۱۴۰۲)، به بررسی ارتباط تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره با رتبه مؤسسات حسابرسی پرداختند و تأثیر این عوامل بر کیفیت گزارش‌دهی مالی را نشان دادند. اسماعیل حسن و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر هموارسازی سود از طریق فعالیت‌های واقعی را بر کارایی سرمایه‌گذاری مطالعه کردند و نشان دادند که این اقدام می‌تواند به تخصیص بهینه منابع منجر شود. عباسی (۱۴۰۲)، رابطه اعتماد سازمانی و تجدید ارائه را بررسی کرد و نشان داد که افزایش اعتماد سازمانی این اقدام را تقویت می‌کند.

محمدتقوی (۱۴۰۲)، نشان داد که قدرت مدیرعامل و استقلال هیئت‌مدیره رابطه بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه را تقویت کرده و این عوامل در افزایش شفافیت مالی شرکت‌ها مؤثر هستند. صادقیان (۱۴۰۲)، اثر تغییر حسابرسی و حق‌الزحمه را بر تأخیر گزارش حسابرسی بررسی کرد و دریافت که این عوامل می‌توانند زمان‌بندی ارائه گزارش‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. در مجموع، پژوهش‌های ارائه‌شده نشان‌دهنده اهمیت عوامل ساختاری، نهادی و سازمانی در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و افزایش کیفیت گزارش‌دهی مالی هستند. این یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاران و مدیران کمک کنند تا با اتخاذ استراتژی‌های مناسب، شفافیت و اعتماد در بازارهای مالی را ارتقا دهند.

جدول (۱): خلاصه تحقیقات

عنوان	سال	سال	مرجع
بررسی رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود	۱۴۰۳	تجدید ارائه باعث کاهش هموارسازی سود و بهبود شفافیت مالی می‌شود.	حسینی

رضایی	۱۴۰۳	اظهارنظر حسابرسی شفافیت مالی را بهبود و هموارسازی سود را کاهش می‌دهد.	تأثیر اظهارنظر حسابرسی بر هموارسازی سود در شرکت‌های تولیدی
کاظمی	۱۴۰۳	تأثیر تجدید ارائه در صنایع مختلف متفاوت است.	اثر تجدید ارائه بر هموارسازی سود در صنایع مختلف
کریمی	۱۴۰۳	مؤسسات با رتبه بالا کیفیت گزارش‌دهی مالی را بهبود می‌بخشند.	تأثیر رتبه موسسه حسابرسی بر کیفیت گزارش‌دهی مالی
محمدی	۱۴۰۳	تجدید ارائه باعث افزایش اعتماد عمومی به گزارش‌های مالی می‌شود.	اثر تجدید ارائه بر اعتماد عمومی
مرادی	۱۴۰۳	مؤسسات با رتبه بالا هموارسازی سود را کاهش می‌دهند.	رتبه موسسه حسابرسی و کاهش هموارسازی سود
اسماعیل حسن و همکاران	۱۴۰۲	هموارسازی سود از طریق فعالیت‌های واقعی کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد.	اثر هموارسازی سود بر کارایی سرمایه‌گذاری
بصیری	۱۴۰۲	نوع اظهارنظر تأثیری بر ارزشیابی شرکت ندارد.	نوع اظهارنظر حسابرس و ارزشیابی شرکت
حیدری	۱۴۰۲	رتبه موسسه حسابرسی رابطه تجدید ارائه و هموارسازی سود را تعدیل می‌کند.	نقش رتبه موسسه در تعدیل تجدید ارائه و هموارسازی سود
رستمی	۱۴۰۲	مؤسسات با رتبه بالا هموارسازی سود را کاهش می‌دهند.	اثر مؤسسات با رتبه بالا بر کاهش هموارسازی سود
زارعی و مظلوم	۱۴۰۲	مدل‌های پیشرفته‌تر دقت بیشتری در پیش‌بینی تجدید ارائه دارند.	دقت مدل‌های پیش‌بینی تجدید ارائه
شاه نظری و ملک محمدی	۱۴۰۲	ارتباط مثبت بین تنوع جنسیتی و رتبه موسسه حسابرسی وجود دارد.	تنوع جنسیتی هیئت مدیره و رتبه موسسه حسابرسی
صادقیان	۱۴۰۲	تغییر حسابرس و حق‌الزحمه تأثیر منفی بر تأخیر گزارش دارند.	تأثیر تغییر حسابرس و حق‌الزحمه بر تأخیر گزارش حسابرسی
عباسی	۱۴۰۲	اعتماد سازمانی تأثیر مثبتی بر تجدید ارائه دارد.	رابطه اعتماد سازمانی و تجدید ارائه صورت‌های مالی
محمدتقوی	۱۴۰۲	قدرت مدیرعامل و استقلال هیئت مدیره رابطه کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه را تقویت می‌کند.	تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه

اگرچه مطالعات پیشین به تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی، رتبه مؤسسات حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان بر هموارسازی سود پرداخته‌اند، اما به بررسی جامع رابطه هم‌زمان این عوامل در کنار هم کمتر توجه شده است. همچنین، مطالعات محدودی به اثرات تعدیل‌کننده رتبه موسسه و اظهارنظر حسابرسی بر رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر این شکاف، اهمیت استفاده از مؤسسات حسابرسی معتبر و اظهارنظرهای دقیق در بهبود شفافیت مالی را نشان داده و به دانش موجود در حوزه کیفیت گزارشگری مالی افزوده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. در این راستا، با استفاده از روش حذف سامانمند و اعمال معیارهای مشخص، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۶ شرکت از میان ۴۹۷ شرکت موجود انتخاب شد. این تحقیق، ضمن تبیین تأثیر متغیرهای مستقل و تعدیل گر، با استفاده از مدل‌های رگرسیونی به تحلیل روابط میان متغیرها پرداخته و تلاش دارد به فرضیه‌های مطرح شده پاسخ دهد.

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تا سال ۱۴۰۱ است. نمونه‌گیری با روش حذف سامانمند انجام شده که بر اساس معیارهایی مانند پایان سال مالی در اسفند، عدم تغییر سال مالی در دوره بررسی، پذیرش در بورس قبل از سال ۱۳۹۷، عدم عضویت در صنایع واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری و دسترسی به اطلاعات لازم صورت گرفته است. از ۴۹۷ شرکت موجود در جامعه آماری، ۱۱۶ شرکت معیارهای مذکور را احراز کرده و به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. فرضیه‌های تحقیق شامل سه بخش اصلی است: رابطه معنادار بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود، تأثیر رتبه مؤسسه حسابرسی بر این رابطه و تأثیر اظهارنظر حسابرس بر رابطه مذکور. برای آزمون این فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی استفاده شده است. متغیر وابسته در این پژوهش هموارسازی سود است که با استفاده از مدل لئوز و همکاران (۲۰۰۳)، اندازه‌گیری شده و شامل نسبت انحراف استاندارد سود عملیاتی به انحراف استاندارد جریان نقدی عملیاتی است. متغیر مستقل تجدید ارائه صورت‌های مالی است که به‌صورت یک متغیر صفر و یک تعریف شده است. دو متغیر تعدیل گر رتبه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس در نظر گرفته شده‌اند؛ رتبه مؤسسه حسابرسی با عدد ۱ برای طبقه اول مشخص شده و اظهارنظر حسابرس نیز به‌صورت متغیر صفر و یک (۱ برای نظر مقبول) تعریف شده است. متغیرهای کنترلی شامل اهرم مالی، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها و نسبت ارزش دفتری به بازار هستند که هرکدام بر اساس فرمول‌های استاندارد محاسبه شده‌اند. مدل‌های آزمون فرضیه‌ها بر اساس داده‌های مالی و عملیاتی شرکت‌ها تدوین شده و با استفاده از تکنیک‌های آماری، روابط بین متغیرها تحلیل شده است. این مدل‌ها تلاش می‌کنند تأثیر متغیرهای مستقل و تعدیل گر بر متغیر وابسته را تبیین کنند و به بررسی فرضیه‌های تحقیق بپردازند.

جدول (۲): متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص	نحوه اندازه‌گیری
وابسته	SMTH: هموارسازی سود	در این تحقیق از نسبت انحراف استاندارد سود عملیاتی به انحراف استاندارد جریانات نقدی عملیاتی استفاده می‌نماییم.
مستقل	FR: تجدید ارائه صورت‌های مالی	اگر شرکت تجدید ارزیابی مالی داشته است، کد ۱ و در غیر این صورت کد صفر لحاظ شده است.
تعدیل گر	Audtop: رتبه مؤسسات حسابرسی	اگر حسابرس جزء طبقه اول باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.
	DQO: اظهارنظر حسابرس	چنانچه اظهارنظر حسابرس مستقل در ارتباط با صورت‌های مالی مقبول باشد، مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.
کنترلی	LEV: اهرم مالی	از تقسیم مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید.
	SIZE: اندازه شرکت	از لگاریتم کل دارایی‌ها به دست می‌آید.
	ROA: بازده دارایی‌ها	از طریق: بازده دارایی‌ها که از طریق: سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
	MB: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	از طریق ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

در پژوهش حاضر، برای گردآوری اطلاعات از اسناد و مدارک مرتبط با شرکت‌های نمونه، مانند صورت‌های مالی اساسی و یادداشت‌های توضیحی، استفاده شده است. این اسناد از نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز استخراج شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی به منظور بررسی متغیرهای پژوهش و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. روش آماری مورداستفاده شامل مدل رگرسیون خطی ساده و چندمتغیره است که به دلیل ماهیت توصیفی-همبستگی پژوهش، برای بررسی رابطه میان متغیرها و جهت آن به کاررفته است. تحلیل مدل رگرسیون خطی در سه مرحله انجام شده است: آزمون تعیین شیوه برآورد مدل، آزمون پیش‌فرض‌های مدل و آزمون فرضیه‌ها. در مرحله اول، از آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای تعیین شیوه برآورد مدل استفاده شده است. آزمون F لیمر مشخص می‌کند که از روش پانل یا پول برای رگرسیون استفاده شود. اگر سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰,۰۵ باشد، روش پانل مناسب است. سپس آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از روش اثر تصادفی یا ثابت در پانل انجام می‌شود. اگر سطح معناداری این آزمون بیش از ۰,۰۵ باشد، اثر تصادفی انتخاب می‌شود و در غیر این صورت، اثر ثابت به کار می‌رود. در مرحله دوم، پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون بررسی شده‌اند. این پیش‌فرض‌ها شامل نرمال بودن متغیر وابسته (با آزمون جاک-برا)، مانایی متغیرها (با آزمون ریشه واحد هادری)، عدم وجود هم خطی (با آزمون تلورانس)، استقلال خطاهای مدل (با آماره دوربین-واتسون)، توانایی مدل در تبیین متغیر وابسته (با ضریب تعیین) و معناداری مدل (با آزمون F فیشر) بوده‌اند. در صورت تأیید این پیش‌فرض‌ها، تحلیل به مرحله سوم، یعنی آزمون فرضیه‌های پژوهش، منتقل شده است. در مرحله سوم، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون T استیودنت بررسی شده‌اند. این آزمون معناداری ضرایب متغیرهای مستقل را ارزیابی می‌کند. اگر سطح معناداری آزمون T کمتر از ۰,۰۵ باشد، متغیر مستقل موردنظر تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد و فرضیه مرتبط تأیید می‌شود. با به کارگیری آزمون‌های مختلف آماری در قالب رگرسیون خطی چندمتغیره، تحلیل دقیق روابط میان متغیرها و آزمون فرضیه‌ها صورت گرفته است.

تجزیه و تحلیل

در این بخش، به تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته شده است. داده‌ها به طور خام از منابع مختلف جمع‌آوری شده‌اند و برای تبدیل به اطلاعات کاربردی، نیاز به تحلیل دارند. این تحلیل‌ها برای شناسایی روابط بین متغیرها و رسیدن به پاسخ‌های دقیق به سؤالات تحقیقاتی انجام می‌شود. برای این منظور، تحلیل‌های آماری به عنوان ابزار اصلی تجزیه و تحلیل انتخاب شده‌اند که به دودسته آمار توصیفی و استنباطی تقسیم می‌شوند. هدف از تجزیه و تحلیل این اطلاعات، ارائه تصویری روشن از داده‌های خام است که در مراحل مختلف جمع‌آوری و استخراج شده‌اند و سپس با استفاده از روش‌های آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا نتایج جدیدی در مورد پدیده‌های مورد مطالعه به دست آید.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌های آماری برای بررسی و تحلیل این داده‌ها انجام شده‌اند. در این تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از تکنیک پانل دیتا و نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. در ادامه، به بررسی آمار توصیفی پرداخته شده است که به وسیله آن می‌توان داده‌های جمع‌آوری شده را خلاصه کرد. در این قسمت، میانگین، میانه، انحراف معیار و دیگر معیارهای پراکندگی برای متغیرهای مورداستفاده محاسبه شده است.

بر اساس نتایج آمار توصیفی، متغیر هموارسازی سود (SMTH) با میانگین ۰,۲۲۹۸۸۹ و میانه ۰,۱۳۶۲۳۱ نشان‌دهنده سطح متوسط هموارسازی سود در داده‌ها است. این متغیر با حداکثر ۶,۸۹۸۳۸۳ و حداقل ۰,۰۰۶۰۹۳، نوسانات زیادی را در بین شرکت‌ها نشان می‌دهد. انحراف معیار بالای ۰,۴۷۳۰۲۱، پراکندگی زیادی را در مقادیر هموارسازی سود به ویژه بین شرکت‌ها نشان می‌دهد. همچنین، اندازه شرکت (SIZE) با میانگین ۱۴,۵۰۴۲۸ و میانه ۱۴,۳۳۹۴۱ نشان‌دهنده

اندازه نسبی ثابت شرکت‌ها در نمونه است. حداکثر اندازه شرکت ۲۰,۱۴۰۵۷ و حداقل آن ۱۰,۹۵۲۱۲ هست که انحراف معیار ۱,۴۶۰۰۳۹ نشان‌دهنده کم بودن تغییرات در اندازه شرکت‌ها است. اهرم مالی (LEV) با میانگین ۰,۵۹۶۶۶۳ و میانه ۰,۶۱۲۴۴۶ از نوسانات در بین شرکت‌ها حکایت دارد. بازده دارایی (ROA) با میانگین ۰,۱۴۷۸۴۵ و میانه ۰,۱۲۳۴۲۹ به‌طور نسبی عملکرد ثابت شرکت‌ها در استفاده از دارایی‌ها برای کسب سود را نشان می‌دهد. همچنین، ارزش دفتری (MB) با میانگین ۲,۷۴۹۳۱۸ و میانه ۱,۷۴۰۰۶۸ نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های زیاد در ارزش دفتری شرکت‌ها است. حداکثر و حداقل مقادیر این متغیر، تفاوت‌های شدید در مقادیر ارزش دفتری را نشان می‌دهد. برای متغیرهای دووجهی، نتایج نشان می‌دهند که ۵۲,۴۱ درصد از نمونه‌ها تجدید ارائه صورت‌های مالی نداشته‌اند و ۴۷,۵۹ درصد دیگر تجدید ارائه صورت‌های مالی را تجربه کرده‌اند. همچنین، در مورد رتبه مؤسسات حسابرسی، بیش از ۵۵ درصد نمونه‌ها تحت حسابرسی مؤسسات با رتبه پایین‌تر قرار داشته‌اند و ۴۴ درصد نمونه‌ها توسط مؤسسات حسابرسی با رتبه بالاتر حسابرسی شده‌اند. در زمینه اظهارنظر حسابرسی، ۵۸,۷۹ درصد از نمونه‌ها اظهارنظر حسابرسی "مقبول" دریافت کرده‌اند.

در ادامه، آزمون نرمال بودن با استفاده از روش جارکو-برا انجام شده است. این آزمون به‌طور خاص کشیدگی و چولگی توزیع متغیرها را بررسی می‌کند. نتایج آزمون نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه است، زیرا مقدار آزمون جارکو-برا برای هر متغیر کمتر از ۰,۰۵ است و در نتیجه فرض نرمال بودن توزیع رد نمی‌شود. در مرحله بعد، پایایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی پایایی از آزمون‌هایی نظیر آزمون هادری استفاده شد که نتایج آن نشان می‌دهد که تمامی متغیرها مانا بوده و قابل استفاده در مدل رگرسیونی هستند. در نهایت، آزمون هم خطی برای ارزیابی شدت هم خطی بین متغیرها انجام شد. برای این آزمون، مقدار عامل تورم واریانس بیشتر از ۲ نبوده و در نتیجه هم خطی چندگانه مشکل ساز برای تحلیل رگرسیونی نخواهد بود.

تجزیه و تحلیل

برای آزمون فرضیه اول، ابتدا مدل تلفیقی یا اثرات ثابت تحلیل شد. نتیجه آزمون چاو نشان داد که مدل با اثرات (تصادفی یا ثابت) مناسب‌تر است. سپس، آزمون هاسمن نشان داد که مدل با اثرات ثابت نسبت به مدل اثرات تصادفی ارجح‌تر است. نتایج مدل با اثرات ثابت به شرح زیر است: تجدید ارائه صورت‌های مالی (FR) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد (ضریب $-0,005410$)، اندازه شرکت (SIZE) تأثیر معناداری نداشت، اهرم مالی (LEV) تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد (ضریب $1,351407$)، بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارد (ضریب $0,387143$) و ارزش دفتری (MB) تأثیر معناداری نداشت. در مجموع، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارند، در حالی که تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. در جدول ۳، برازش مدل با اثرات ثابت برای فرضیه اول نشان می‌دهد که تجدید ارائه صورت‌های مالی (FR) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد. همچنین، اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارند. ضریب تعیین مدل $0,252806$ به این معنی است که حدود ۲۵ درصد از تغییرات هموارسازی سود توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. سطح معناداری آماره F برابر با $0,000000$ است که نشان‌دهنده معناداری کلی مدل است و مقدار دوربین-واتسون $1,572242$ نشان می‌دهد که مشکل جدی خودهمبستگی در مدل وجود ندارد.

جدول (۳): برازش مدل پژوهش فرضیه اول

متغیر وابسته: هموارسازی سود					
متغیر	شاخص	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
تجدید ارائه صورت‌های مالی	FR	$-0,005410$	$0,0034525$	$-2,156686$	$0,0455$

۰.۰۳۰۸	-۰.۴۸۰۸۲۹	۰.۰۱۲۱۷۸	-۰.۰۰۵۸۵۶	SIZE	اندازه شرکت
۰.۰۰۰۰	۱۲.۲۶۱۱۳	۰.۱۱۰۲۱۹	۱.۳۵۱۴۰۷	LEV	اهرم مالی
۰.۰۲۴۰	۲.۲۶۳۸۶۷	۰.۱۷۱۰۰۹	۰.۳۸۷۱۴۳	ROA	بازده دارایی‌ها
۰.۱۲۲۴	۱.۵۴۷۲۳۰	۰.۰۰۳۱۶۴	۰.۰۰۴۸۹۶	MB	ارزش دفتری
۲۵۲۸۰۶.۰	ضریب تعیین	۸۴۱۴۳.۳۸		آماره F	
۲۴۶۲۹۷.۰	ضریب تعیین تعدیل شده				
۵۷۲۲۴۲.۱	مقدار دوربین - واتسون	۰.۰۰۰۰۰.۰		احتمال آماره F	

در آزمون فرضیه دوم نیز مدل تلفیقی یا اثرات ثابت تحلیل شد و همانند فرضیه اول، مدل با اثرات ثابت مناسب‌تر ارزیابی شد. نتایج مدل با اثرات ثابت به شرح زیر است: رتبه مؤسسات حسابرسی (AUDTOP) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد (ضریب -۰.۰۸۳۳۳۶)، اثر تعاملی رتبه مؤسسات حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی (AUDTOP*FR) تأثیر منفی و معناداری دارد (ضریب -۰.۰۵۷۷۶۰)، اندازه شرکت (SIZE) تأثیر معناداری نداشت، اهرم مالی (LEV) تأثیر مثبت و معناداری دارد (ضریب ۱.۴۷۸۶۵۶)، بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارد (ضریب ۰.۳۶۱۱۰۹) و ارزش دفتری (MB) تأثیر معناداری نداشت. نتایج این مدل نشان می‌دهد که رتبه مؤسسات حسابرسی و اثر تعاملی آن با تجدید ارائه صورت‌های مالی، تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. در جدول ۴، برازش مدل با اثرات ثابت برای فرضیه دوم نشان می‌دهد که رتبه مؤسسات حسابرسی (AUDTOP) و اثر تعاملی رتبه مؤسسات حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی (AUDTOP*FR) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. همچنین، اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارند. ضریب تعیین مدل ۰.۲۶۴۴۷۱ به این معنی است که حدود ۲۶ درصد از تغییرات هموارسازی سود توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰۰۰۰ است که نشان‌دهنده معناداری کلی مدل است و مقدار دوربین - واتسون ۱,۵۵۹۰۰۰ حاکی از این است که مشکل جدی خودهمبستگی در مدل وجود ندارد.

جدول (۴): برازش مدل پژوهش فرضیه دوم

متغیر وابسته: هموارسازی سود					
متغیر	شاخص	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
رتبه مؤسسات حسابرسی	AUDTOP	-۰.۰۸۳۳۳۶	۰.۴۶۳۴۴۰	-۷۹۸۲۱۴.۲	۰.۳۲۷۰
اثر تعاملی رتبه و تجدید ارائه	AUDTOP*FR	-۰.۰۵۷۷۶۰	۰.۵۱۲۶۷۰	-۱۲۶۶۴۶.۲	۰.۲۰۴۰
اندازه شرکت	SIZE	۰.۰۰۶۵۷۱	۰.۱۲۰۹۲۰	۵۴۳۳۸۶.۰	۵۸۷۱.۰
اهرم مالی	LEV	۴۷۸۶۵۶.۱	۱۱۸۶۴۹.۰	۴۶۲۴۸.۱۲	۰.۰۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۳۶۱۱۰.۰	۱۶۹۵۳۹.۰	۱۲۹۹۴۶.۲	۰.۳۳۶۰
ارزش دفتری	MB	۰.۰۰۲۶۳۰	۰.۰۳۲۳۴۰	۸۱۳۱۹۱.۰	۴۱۶۴.۰
آماره F		۳۳۸۶.۳۴		ضریب تعیین	۲۶۴۴۷۱.۰
				ضریب تعیین تعدیل شده	۲۵۶۷۷۰.۰
احتمال آماره F		۰.۰۰۰۰۰.۰		مقدار دوربین - واتسون	۵۵۹۰۰۰.۱

در آزمون فرضیه سوم نیز مدل تلفیقی یا اثرات ثابت تحلیل شد و مدل با اثرات ثابت مناسب‌تر ارزیابی شد. نتایج مدل با اثرات ثابت به شرح زیر است: اظهار نظر حسابرسی (DQO) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد (ضریب -۰.۰۲۴۸۲۱)، اثر تعاملی اظهار نظر حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی (DQO*FR) تأثیر منفی و معناداری دارد (ضریب -۰.۰۱۵۶۲۰)، اندازه شرکت (SIZE) تأثیر معناداری نداشت، اهرم مالی (LEV) تأثیر مثبت و معناداری دارد

(ضریب $1,350653$)، بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج این مدل نشان می‌دهد که اظهارنظر حسابرس و اثر تعاملی آن با تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند، درحالی‌که اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارند.

در جدول ۵، برازش مدل با اثرات ثابت برای فرضیه سوم نشان می‌دهد که تأثیرات برخی از متغیرها بر هموارسازی سود معنادار است. به‌طور خاص، اظهارنظر حسابرس (DQO) و اثر تعاملی اظهارنظر حسابرس و تجدید ارائه صورت‌های مالی ($DQO*FR$) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. همچنین، اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارند. ضریب تعیین مدل $0,253210$ به این معنی است که حدود ۲۵ درصد از تغییرات هموارسازی سود توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. سطح معناداری آماره $F(0.000000)$ نشان‌دهنده معناداری کلی مدل است و مقدار دوربین-واتسون $1,572426$ نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد.

جدول (۵): برازش مدل پژوهش فرضیه سوم

متغیر وابسته: هموارسازی سود					
متغیر	شاخص	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
اظهارنظر حسابرس	DQO	$-0,024821$	$0,043114$	$-2,575701$	$0,0450$
اثر تعاملی اظهارنظر و تجدید ارائه	$DQO*FR$	$-0,015620$	$0,053479$	$-0,292076$	$0,0403$
اندازه شرکت	SIZE	$-0,005781$	$0,012219$	$-0,473095$	$0,6363$
اهرم مالی	LEV	$1,350653$	$0,110252$	$12,25057$	$0,0000$
بازده دارایی‌ها	ROA	$0,391319$	$0,170637$	$2,293283$	$0,0222$
ارزش دفتری	MB	$0,004956$	$0,003162$	$1,567055$	$0,1177$
آماره F		$32,38074$		ضریب تعیین	$0,253210$
احتمال آماره F		$0,000000$		ضریب تعیین تعدیل شده	$0,245391$
				مقدار دوربین-واتسون	$1,572426$

در تمامی مدل‌ها، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارند، درحالی‌که تجدید ارائه صورت‌های مالی و متغیرهای مرتبط با رتبه مؤسسات حسابرسی و اظهارنظر حسابرس تأثیر منفی و معناداری داشتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی فرضیه‌ها مدل اثرات ثابت نسبت به مدل اثرات تصادفی ارجح‌تر بوده است. در فرضیه اول، تجدید ارائه صورت‌های مالی (FR) تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد، درحالی‌که اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری دارند. ضریب تعیین مدل $0,252806$ نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از تغییرات هموارسازی سود توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در فرضیه دوم، رتبه مؤسسات حسابرسی (AUDTOP) و اثر تعاملی آن با تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. همچنین، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارند. در فرضیه سوم، اظهارنظر حسابرس (DQO) و اثر تعاملی آن با تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی و معناداری دارند. به‌طورکلی، در تمامی مدل‌ها، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود داشته و متغیرهای مرتبط با تجدید ارائه صورت‌های مالی و نظرات حسابرسی تأثیر منفی و معناداری داشتند.

نتیجه گیری

در این تحقیق، تأثیر رتبه مؤسسه حسابرسی و اظهارنظر آن بر رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، تأثیر رتبه بالاتر مؤسسات حسابرسی بر کاهش هموارسازی سود تأیید شد. بدین معنی که مؤسسات حسابرسی با رتبه بالاتر قادرند تا از هموارسازی سود در گزارش‌های مالی جلوگیری کنند. نتایج تحلیل‌های رگرسیونی نشان داد که تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌طور معناداری بر هموارسازی سود تأثیر منفی دارد. این بدان معناست که شرکت‌ها در صورت تجدید ارائه صورت‌های مالی تمایل کمتری به هموارسازی سود دارند. علاوه بر این، رتبه مؤسسات حسابرسی و اظهارنظر حسابرسان نیز تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارند. به عبارت دیگر، مؤسسات حسابرسی معتبرتر و اظهارنظرهای مستقل‌تر موجب کاهش رفتارهای هموارسازی سود می‌شوند.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از مؤسسات حسابرسی با رتبه بالا و اظهارنظر دقیق حسابرسان می‌تواند به بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی کمک کرده و موجب کاهش هموارسازی سود در شرکت‌ها شود. این نتایج اهمیت توجه به نقش حسابرسان معتبر در فرآیند گزارشگری مالی را برجسته می‌کند و می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران شرکت‌ها در اتخاذ تصمیمات بهینه کمک نماید. یافته‌های این تحقیق بر تقویت نظارت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی و جلوگیری از هموارسازی سود تمرکز دارد. افزایش شفافیت در گزارشگری مالی، آموزش مدیران مالی در زمینه پیامدهای منفی هموارسازی سود و تقویت استقلال حسابرسان به‌عنوان راهکارهای مؤثر معرفی شده‌اند. همچنین، انتخاب مؤسسات حسابرسی با رتبه‌های بالا و نظارت دقیق‌تر بر اظهارنظرهای حسابرسان برای کاهش این پدیده پیشنهاد می‌شود. در نهایت، تشویق به گزارشگری صحیح و اخلاقی و بهبود فرآیندهای داخلی حسابرسی برای کاهش هموارسازی سود مورد تأکید قرار گرفته است.

منابع

- ✓ بصیری، ابراهیم، (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر ارزشیابی شرکت و کارایی سرمایه‌گذاری با تأکید بر پیچیدگی کار حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، دوره ۸، شماره ۳۰.
- ✓ حسینی، ر، (۱۴۰۳)، رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری و مدیریت، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۰.
- ✓ حسینی، م. و بهرامی، ا. (۱۴۰۱)، تأثیر رتبه مؤسسه حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مطالعات حسابداری، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۴۵-۶۸.
- ✓ رضایی، ع، (۱۴۰۳)، بررسی نقش اظهارنظر حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود، مجله پژوهش‌های حسابداری، دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۷۵-۹۰.
- ✓ شاه‌نظری، اسماعیل، ملک‌محمدی، صبا، (۱۴۰۲)، تنوع جنسیتی هیئت مدیره و انتخاب حسابرس: شواهدی از رتبه مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری در مدیریت کسب و کار و اقتصاد، تهران.
- ✓ صادقیان، افسانه، (۱۴۰۲)، تأثیر تغییر حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی و اظهارنظر حسابرس بر تأخیر گزارش حسابرسی. دهمین کنفرانس بین‌المللی چشم‌اندازهای نوین در مدیریت، حسابداری و کارآفرینی، تهران.

- ✓ عباسی، سمیرا، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه اعتماد سازمانی با تجدید ارائه صورت‌های مالی شهرداری، نوزدهمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، بابل.
- ✓ کاظمی، حسین، (۱۴۰۳)، بررسی اثر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر هموارسازی سود در صنایع مختلف، مجله پژوهش‌های مالی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۷۵-۹۰.
- ✓ محمدی، س، (۱۴۰۳)، تأثیر اظهارنظر حسابرسی بر رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و هموارسازی سود در صنایع مختلف، مجله حسابداری و مدیریت، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۸۵-۱۰۰.
- ✓ محمدتقوی، سید علی، (۱۴۰۳)، تأثیر قدرت مدیرعامل و استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ششمین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- ✓ مرادی، ع، (۱۴۰۳)، تحلیل تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر کیفیت گزارشگری مالی و هموارسازی سود، مجله پژوهش‌های مالی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۸۰-۹۵.
- ✓ Ashari, N., Koh, H. C., Tan, S. L., & Wong, W. H. (1994). Factors affecting income smoothing among listed companies in Singapore. *Accounting and Business Research*, 24(96), 291-301.
- ✓ Beidleman, C. R. (1973). Income smoothing: The role of management. *The Accounting Review*, 48(4), 653-667.
- ✓ Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2020). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 344-401.
- ✓ Francis, J. R., Pinnuck, M., & Watanabe, O. (2020). Auditor reporting conservatism: The importance of client-level and country-level factors. *Accounting, Organizations and Society*, 83, 101093.
- ✓ Hepworth, S. R. (1953). Smoothing periodic income. *The Accounting Review*, 28(1), 32-39.
- ✓ Moses, O. D. (1987). Income smoothing and incentives: Empirical tests using accounting changes. *The Accounting Review*, 62(2), 358-377.